

فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی

Human Sciences Research Journal

دوره جدید، شماره اول، تابستان ۱۳۹۶، صص ۱۱۳-۱۰۳ New Period, No 1, 2017, P 103-113

ISSN (2476-7018)

شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸)

بررسی رابطه حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی در دانش آموزان متوسطه شهر ساری در سال تحصیلی ۹۶-۹۵

سید هاتف هاشمی نسب^۱، فریبا سروری^۲، طاهره صالح زاده^۳

۱. کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، ایران

Hatef.hasheminasab@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، ایران

۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، ایران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی در دانش آموزان شهر ساری در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ می‌باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی و همبستگی بوده که با تکنیک پیمایش و بطور مقطعی انجام شد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزانی است که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در مدارس متوسطه ناحیه یک ساری، مشغول به تحصیل می‌باشد. نمونه آماری در این پژوهش بر اساس از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) ۳۷۳ نفر برآورد شد که بصورت نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی (MSPPSS) و هوش فرهنگی ون داین و آنگ (۲۰۰۴) بود. برای تجزیه و تحلیل‌ها از نرم افزار spss و آزمون‌های اسپیرمن و یو من وایتنی (معادل ناپارامتری آزمون t) استفاده شد. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد: بین حمایت اجتماعی با هوش فرهنگی دانش آموزان رابطه وجود دارد. همچنین میزان حمایت اجتماعی در بین دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: حمایت اجتماعی، هوش فرهنگی، دانش آموزان

مقدمه

وجود حمایت اجتماعی به اطمینان و خود شایستگی‌ها برای آزمودن تجارب جدید می‌افزاید و با یک قدرت مقابله‌ای گسترش یافته، انسان‌ها را در موقعیتی بهتر برای برآوردن نیازها و محرومیت‌ها قرار می‌دهد. بسیاری از رفتارهای انسان با سازوکارهای نفوذ بر خود، برانگیخته و کنترل می‌شوند. اما در میان مکانیسم‌های نفوذ بر خود، هیچ کدام مهمتر و فراگیرتر از باور به خود کارآمدی شخصی نیست. اگر فردی باور داشته باشد که نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را به دست آورد، و یا به این باور برسد که نمی‌تواند مانع رفتارهای غیرقابل قبول شود، انگیزه او برای انجام کارها کم خواهد شد. با تعریف حمایت اجتماعی تحت عنوان معرفتی که باعث می‌شود فردی باور کند مورد احترام و علاقه دیگران می‌باشد، عنصری ارزشمند و دارای شأن می‌باشد و به یک شبکه روابط و تعهدات متقابل تعلق دارد، بر رابطه متقابل بین حمایت اجتماعی و احساس خود کارآمدی تاکید می‌کند (نیلیا، ۲۰۰۸).

یکی از موضوعات جالب توجه در پژوهش‌های اجتماعی، موفقیت تحصیلی است، زیرا علاوه بر آن که می‌تواند به عنوان معیاری جهت سازگاری فراگیر با محیط آموزشی و موفقیت آینده اش در نظر گرفته شود، بیانگر موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدفیابی و توجه به رفع نیازهای فردی نیز می‌باشد. هوش فرهنگی، حوزه مدنی از هوشمندی است که امکان میانجی‌گری در فضاهای کاری متنوع و متغیر را مطرح می‌کند. برخی از جنبه‌های فرهنگی مساله، کاملاً قابل دیدن است و آشکارا می‌توان این هوشمندی را در نحوه برخورد برخی از افراد و در رفتارهایی که انجام می‌دهند، مشاهده کرد. در هر حال فهم بیشتر موقعیت‌ها و بخش‌های چالش برانگیز فرهنگ با عقاید، ارزش‌ها، انتظارات، نگرش‌ها و مفروضه‌هایی که بطور آشکارا یا نهان قابل مشاهده و ارزیابی هستند، مرتبط اند. در عین حال کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است این آمادگی را دارد که اختلاف فرهنگی را درک نموده و با قدرت در این عرصه که پر از تفاوت‌های بی‌شمار است، فعالیت نماید. بنابراین هوش فرهنگی به افراد کمک می‌کند که به نحو موثرتری تفاوت‌های درون و بین فرهنگی را کنترل و مدیریت نمایند. کسی که دارای هوش فرهنگی بسیار بالایی است حصارهای فرهنگی را درک نموده و می‌داند همین حصارهاست که می‌توان رفتار ما و دیگران را چارچوب بندی نماید و همان است که می‌تواند نحوه فکر کردن و واکنش نشان دادن‌ها را در موقعیت‌های مختلف توجیه نماید. پس هوش فرهنگی، دامنه جدیدی از هوش است که ارتباط بسیار زیادی با محیط‌های کاری متنوع دارد (اسلاسکی، ۲۰۰۳).

حمایت اجتماعی معرفتی است که باعث می‌شود فردی باور کند مورد علاقه و احترام دیگران است، عنصری ارزشمند است و به یک شبکه روابط و تعهدات متقابل تعلق دارد. بنا به تعریف، حمایت اجتماعی شامل دو بعد اساسی است، یکی جنبه ذهنی که نشان دهنده تصورات و ادراکات فرد از حمایت‌های

اطرافیان است، و دیگری جنبه واقعی (عینی) است که عبارتست از میزان مساعدت‌ها و کمک‌های واقعی ارائه شده به فرد (بیابانگرد، ۱۳۸۳).

حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است. برای مثال، میتوان آن را به عنوان یک منبع فراهم شده توسط دیگران، به عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس، یا یک مبادله ای از منابع تعریف نمود. برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه، و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان، و دیگران مهم تعریف کرده‌اند (بندورا و لاک، ۲۰۰۳). برخی، حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر، آن را ناشی از ادراک و تصور فرد می‌دانند. ساراسون^۱ (۱۹۸۸) حمایت اجتماعی را مفهومی چند بعدی می‌داند که هر دو بعد واقعی و تصویری را در بر می‌گیرد. در مجموع، شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و اینکه او به یک شبکه اجتماعی متعلق است.

گرچه بهره هوشی از سال‌های دور مورد توجه روانشناسان قرار داشته و آزمون‌های بسیاری برای سنجش و تقویت آن ارائه گردیده است، اما ابعاد جدید هوش مانند هوش عاطفی و هوش فرهنگی تنها در سال‌های اخیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. همراه با روند جهانی شدن، عبارات گوناگونی مانند شایستگی بین فرهنگی^۲ و یا شایستگی‌های جهانی^۳ در طول چندین سال، برای نام‌گذاری توانایی و مهارت افراد برای سازگاری و انجام وظیفه به طور اثربخش در فرهنگ‌های مختلف، مورد استعمال بود. اما مفهوم هوش فرهنگی، به عنوان نوعی خاص از هوش، برای اولین بار توسط ارلی و انگ^۴، به عنوان تئوری جدیدی در دنیای مدیریت و روان‌شناسی سازمانی مطرح شد. بعدها کنسرسیومی از اساتید آمریکا و انگلیس و آسیا، هوش فرهنگی را ارزیابی سیستماتیک ظرفیت فرد برای رویارویی با افرادی از فرهنگ‌های متفاوت تعریف کردند (چاپمن، ۲۰۰۹).

هوش فرهنگی، نوعی بدیع از هوش است که ارتباط بسیار زیادی با محیط‌های کاری متنوع فرهنگی دارد. هوش فرهنگی را استعداد به کارگیری مهارت‌ها و توانایی‌ها در محیط‌های مختلف تعریف می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که بسیاری از ورشکستگی‌های تجاری هنگامی رخ می‌دهد که افراد از فرهنگ‌های مختلف، درک درستی ندارند (وان دریل، ۲۰۰۸).

هوش فرهنگی را به عنوان یک سیستم از توانایی‌های تعاملی تعریف کردند. در واقع هوش فرهنگی ظرفیتی است که به افراد اجازه می‌دهد تا در برابر طیف گسترده فرهنگ‌ها درک و فهم درستی داشته باشند و به طور مناسب عمل کنند (روبین، ۱۹۹۸).

¹ -Sarasun

² - Cross Cultural Competency

³ - Global Competence

⁴ - Earley & Ang

این نوع از هوش درک و فهم تعاملات بین فرهنگی را بهبود می‌بخشد. برای اینکه فرد از لحاظ فرهنگی با هوش شناخته شود، باید در موقعیت‌هایی که برداشت‌ها و اشارات مختلفی وجود دارد بتواند قضاوت درستی داشته باشد و درک و فهم صحیحی از آن موقعیت بدست آورد. افرادی که از سطح هوش فرهنگی بالاتری برخوردارند در ابراز عواطف و حالات فیزیکی تسلط بیشتری دارند. در واقع توانایی درک و تفسیر و انطباق رفتاری با زمینه‌های فرهنگی یکی از مهارت‌هایی است که اساساً برای افراد شاغل در شرکت‌های بین‌المللی بسیار مهم می‌باشد (روبین، ۱۹۹۸).

تعریف دیگری از هوش فرهنگی عبارت است از توانایی افراد برای رشد شخصی از طریق تداوم یادگیری و شناخت بهتر میراث‌های فرهنگی، آداب و رسوم و ارزش‌های گوناگون و رفتار موثر با افرادی با پیشینه فرهنگی و ادراک متفاوت. ارلی و انگ، هم چنین، هوش فرهنگی را به عنوان قابلیت فرد برای سازگاری موثر با قالب‌های نوین فرهنگی تعریف کرده و ساختار این مفهوم را به انواع دیگر هوش، از جمله هوش عاطفی و اجتماعی مربوط می‌دانند (روبین، ۱۹۹۸).

بررسی رابطه حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی از آن رو اهمیت و ضرورت دارد که حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی به عنوان یکی از موارد مهم در ارتباطات نقش مهمی را در عملکرد تحصیلی دانش آموزان ایفا می‌کند. شناخت این مورد از چند لحاظ اهمیت دارد؛ از لحاظ نظری موجب افزایش دامنه علم در این حیطه خواهد شد. از لحاظ کاربردی در صورت وجود نکاتی قابل تامل آشکار در زمینه حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی در بین دانش آموزان، با انجام برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت کم کردن کاستی‌ها می‌توان از نتایج آن بهره لازم را گرفت.

پیشینه پژوهش:

قره سفلو (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «رابطه هوش فرهنگی با عملکرد کارکنان دانشگاه» انجام داده است. نتایج نشان داد که بین هوش فرهنگی، هوش فرهنگی شناختی و هوش فرهنگی انگیزشی با عملکرد کارکنان رابطه مثبت و معناداری بدست آمد اما بین هوش فرهنگی رفتاری با عملکرد کارکنان رابطه معناداری مشاهده نشد.

نورایی و ساعی ارسی (۱۳۸۹)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی اثر هوش عاطفی (هوش اجتماعی) بر عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی (مطالعه موردی: واحدهای منطقه ۲ دانشگاه آزاد اسلامی» به این نتیجه دست یافتند که بین خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی‌های اجتماعی و قابلیت در ساماندهی روابط اعضای هیأت علمی با عملکرد آموزشی آنان رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که فضای کاری به عنوان متغیر مداخله گر رابطه بین خودآگاهی و خودمدیریتی را تغییر می‌دهد ولی در رابطه بین آگاهی‌های اجتماعی و قابلیت در ساماندهی روابط عملکرد آموزشی آنان تأثیر می‌گذارد.

ون دریل (۲۰۰۸)، در پژوهش خود به بررسی توسعه و سنجش کمی هوش فرهنگی به عنوان یک ساختار حیاتی، در سطح سازمانی، پرداخته است. نتایج نشان داد هوش فرهنگی سازمانی رابطه مثبتی با اثربخشی سازمانی و عملکرد سازمانی دارد.

مانیا (۲۰۰۴)، در پژوهشی به اندازه گیری هوش فرهنگی و میزان تاثیر آن بر سازگاری، تصمیم گیری، انطباق فرهنگی و عملکرد وظیفه ای پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که ابعاد هوش فرهنگی با هر کدام از این متغیرها ارتباط دارد و در واقع هوش فرهنگی به عنوان عامل پیش بینی کننده این متغیرها معرفی شده است، به این صورت که دو بعد استراتژی و دانش هوش فرهنگی بر قضاوت فرهنگی و تصمیم گیری فرد تاثیر گذار است. همچنین ابعاد رفتار و انگیزش هوش فرهنگی میزان انطباق فرهنگی فرد را با موقعیت های جدید فرهنگی پیش بینی می کند و بالاخره ابعاد استراتژی و رفتار هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه ای فرد تأثیر گذار است.

روش پژوهش:

روش پژوهش مهم ترین و اساسی ترین نقش را در یک پژوهش علمی دارا می باشد، انسان در برخورد با هر مسئله و مشکلی باید روش راه حل خاصی را انتخاب نماید که متناسب با موضوع و مشکل وی باشد، یکی از روش های پژوهش که در رابطه با مدیریت و روان شناسی مورد استفاده قرار می گیرد پژوهش توصیفی است، در تحقیق توصیفی آنچه هست یا وضعیت موجود پدیده ها مورد بررسی قرار می گیرد. هدف تحقیق توصیفی مشخص کردن ماهیت شرایط فعالیت ها و نگرش های حاکم است (حسن زاده، ۱۳۹۳).

از آنجا که این پژوهش، به بررسی وضعیت موجود پرداخته، در ردیف تحقیقات توصیفی قرار دارد و با توجه به اینکه با استفاده از پرسش نامه و از طریق نظرخواهی، وضعیت موجود سیستم بررسی می گردد، در ردیف تحقیقات پیمایشی قرار دارد. همچنین این پژوهش از نظر هدف در رسته تحقیقات کاربردی قرار دارد.

جامعه آماری، برآورد نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان پسر و دختر متوسطه اول و دوم شهرساری است که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ در مدارس متوسطه در ناحیه یک شهر ساری مشغول به تحصیل می باشند. تعداد این افراد حدود ۱۰۰۰۰ است.

نمونه آماری در این پژوهش بر اساس بهره گیری از جدول کرجسی و مورگان^۱ (۱۹۷۰) تعداد ۳۷۳ نفر برآورد شده است و شیوه نمونه گیری در تحقیق حاضر به روش تصادفی و خوشه ای چند مرحله ای می باشد. روش اجرا بدین صورت بود که ابتدا از بین ۱۲ مدرسه متوسطه ناحیه یک شهر ساری، دو مدرسه

^۱- Krejcie & Morgan

بصورت یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به شکل تصادفی انتخاب شدند. سپس تعداد ۳۷۳ پرسشنامه بین دو مدرسه تقسیم شد بطوری که ۱۸۷ پرسشنامه در مدرسه دخترانه و ۱۸۶ پرسشنامه به مدرسه پسرانه تعلق گرفت. به منظور اجرای پرسشنامه نیز، به مدارس مشخص شده مراجعه شد و و پس از برقراری ارتباط لازم با دانش آموزان ضمن بیان اهداف پژوهش و اهمیت دقت و رعایت صداقت در پاسخ به پرسشنامه ها، توضیح مختصری در مورد نحوه پاسخگویی ارائه داده شد. پس از آن با همکاری مسئولین مدارس شرایط مناسب جهت پاسخگویی به پرسشنامه‌ها فراهم گردید.

در این پژوهش از دو پرسشنامه برای ارزیابی دو متغیر (حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی) استفاده شده است. برای سنجش میزان حمایت اجتماعی از پرسشنامه مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی (MSPSS) و برای بررسی هوش فرهنگی از پرسشنامه هوش فرهنگی استفاده شده است.

مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی^۱ (MSPSS):

این مقیاس یک ابزار ۱۲ عبارتی است که به منظور ارزیابی حمایت اجتماعی ادراک شده از سه منبع: خانواده دوستان و افراد مهم در زندگی توسط سمیت^۲ و همکاران (۱۹۹۸) تهیه شده است. مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی، میزان حمایت اجتماعی ادراک شده توسط آزمودنی در هر یک از سه حیطه یاد شده را می‌سنجد و دارای سه زیر مقیاس: خانواده (عبارات ۱۱، ۸، ۴، ۳)، دوستان (۱۲، ۹، ۷، ۶) و افراد مهم (۱۰، ۵، ۱، ۲) است. ویژگی‌های روان سنجی مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی بر روی نمونه‌های مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است.

پرسشنامه هوش فرهنگی توسط راموز (۱۳۸۵)، بومی سازی شده است و به ترتیب متغیرهای استراتژی هوش فرهنگی، دانش هوش فرهنگی، انگیزش هوش فرهنگی و رفتار هوش فرهنگی را اندازه گیری می‌نماید. روایی آن بر حسب روش روایی محتوایی و ظاهری مورد بررسی قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ محاسبه شده است (رحیم نیا و همکاران، ۱۳۸۸).

آمار توصیفی

جنسیت

با توجه به جدول ۱، ۵۰/۱ درصد از دانش آموزان مورد مطالعه معادل ۱۸۷ نفر دختر و ۴۹/۹ درصد معادل ۱۸۶ نفر پسر بوده‌اند. بیشترین فراوانی جنسیت متعلق به دختران بوده است.

1- Multidimensional Scale of Perceived Social Support

2- Zimet

جدول ۱: توزیع فراوانی جنسیت در دانش آموزان

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دختر	۱۸۷	۵۰/۱	۵۰/۱
پسر	۱۸۶	۴۹/۹	۱۰۰
جمع	۳۷۳	۱۰۰	

پایه تحصیلی

با توجه به جدول ۱: ۷/۸ درصد از دانش آموزان مورد مطالعه معادل ۲۹ نفر در پایه هفتم، ۱۹ درصد معادل ۷۱ در پایه هشتم، ۱۵/۸ درصد معادل ۵۹ نفر در پایه نهم، ۲۱/۷ درصد از دانش آموزان مورد مطالعه معادل ۸۱ نفر در پایه دهم، ۲۱/۷ درصد معادل ۸۱ در پایه یازدهم و ۱۳/۹ درصد معادل ۵۲ نفر در پایه دوازدهم مشغول به تحصیل بوده اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پایه تحصیلی دانش آموزان

پایه تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
هفتم	۲۹	۷/۸	۷/۸
هشتم	۷۱	۱۹	۲۶/۸
نهم	۵۹	۱۵/۸	۴۲/۶
دهم	۸۱	۲۱/۷	۶۴/۳
یازدهم	۸۱	۲۱/۷	۸۶/۱
دوازدهم	۵۲	۱۳/۹	۱۰۰
جمع	۳۷۳	۱۰۰	

توصیف متغیر حمایت اجتماعی

جدول ۳: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمرات حمایت اجتماعی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر

شاخصها گروه زوج‌ها	تعداد	میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	بیشینه		کمینه	
						مقادیر واقعی	مشاهده شده	مقادیر واقعی	مشاهده شده
دختران	۱۸۷	۵۱/۶۶	۵۲	۵۶	۴/۵۱	۲۰/۴۲	۶۰	۱۲	۳۹
پسران	۱۸۶	۵۳/۱۳	۵۴	۵۶	۴/۲۴	۱۸/۰۳	۶۰	۱۲	۴۲

داده‌های جدول ۳، شاخص آماری نمرات حمایت اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر را نشان می‌دهد. میانگین نمرات حمایت اجتماعی دانش‌آموزان دختر برابر ۵۱/۶۶ و میانگین نمرات حمایت اجتماعی دانش‌آموزان پسر برابر ۵۳/۱۳ می‌باشد.

فرضیه اول: بین حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. برای بررسی این فرضیه ابتدا از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتایج حاصل به شرح ذیل است:

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در تحلیل فرضیه اول

			هوش فرهنگی دانش‌آموزان	حمایت اجتماعی
اسپیرمن	هوش فرهنگی	ضریب همبستگی	۱/۰۰	۰/۲۵۴**
	دانش‌آموزان	سطح معناداری (sig)	.	۰/۰۰
		تعداد	۳۷۳	۳۷۳
حمایت اجتماعی	حمایت اجتماعی	ضریب همبستگی	۰/۲۵۴**	۱/۰۰
	تحصیلی	سطح معناداری (sig)	۰/۰۰	.
		تعداد	۳۷۳	۳۷۳

با توجه به اینکه در جدول اسپیرمن مقدار Sig (سطح معنی داری) در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار می‌باشد ($\alpha = 0/05 = sig$)، بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان این نتیجه حاصل شد که بین دو متغیر رابطه وجود دارد و در واقع هوش فرهنگی با حمایت اجتماعی در بین دانش‌آموزان رابطه معناداری دارد. به عبارت

دیگر می توان گفت در دانش آموزان مورد بررسی، افزایش یا کاهش حمایت اجتماعی موجب افزایش یا کاهش هوش فرهنگی در آنان می شود.
فرضیه دوم: بین حمایت اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول ۵: نتایج آزمون یومن ویتنی در تحلیل فرضیه دوم

متغیر	گروه ها	تعداد	میانگین رتبه ای	مجموع رتبه ها
حمایت اجتماعی	دانش آموزان دختر	۱۸۷	۱۵۹/۰۳	۳۱۷۰۵/۵۰
	دانش آموزان پسر	۱۸۵	۲۰۵/۱۷	۳۸۷۸۱/۵۰
	مجموع	۳۷۲		

جدول ۶: نتایج آزمون یومن ویتنی در تحلیل

فرضیه دوم

	حمایت اجتماعی
مقدار یومن ویتنی	۱۴۰۲۸/۵۰۰
مقدار ویلکاکسون	۳۱۶۰۶/۵۰۰
Z آماره	-۳/۱۶۱
سطح معناداری (Sig. (2-tailed)	۰/۰۰۲

در تفسیر نتایج آزمون یومن ویتنی برای اینکه پی ببریم آیا میزان حمایت اجتماعی در بین دو گروه دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است، با استناد به میزان آماره Z در جدول ۶ ملاحظه می شود $Z = -۳/۱۶۱$ بوده و در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی دار است. بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ به لحاظ آماری تفاوت میزان حمایت اجتماعی در بین دو گروه دانش آموزان دختر و پسر معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش تایید شده و فرضیه صفر که دلالت بر عدم تفاوت حمایت اجتماعی در بین دو گروه دانش آموزان دختر و پسر بود، رد می شود. اما برای تفسیر اینکه میزان حمایت اجتماعی در کدام گروه از دانش آموزان بیشتر و در کدامیک کمتر است، از نتایج جدول ۵ استفاده می کنیم. همانطور که در این جدول ملاحظه می شود میانگین رتبه حمایت اجتماعی در بین دانش آموزان پسر ۲۰۴/۱۷ بوده و بیشتر از میزان آن (۱۶۹/۰۲) در بین دانش آموزان دختر است.

بحث و نتیجه گیری:

نتایج مربوط به بررسی فرضیه اول پژوهش (آیا بین حمایت اجتماعی و هوش فرهنگی دانش آموزان رابطه وجود دارد؟) نشان داد میزان حمایت اجتماعی با هوش فرهنگی دانش آموزان رابطه دارد. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت هوش فرهنگی از متغیرها و عوامل بسیاری از لحاظ نظری تأثیر می‌پذیرد، که در این بین حمایت اجتماعی عنصری با تأثیر بالا محسوب می‌شود.

نتایج مربوط به بررسی سوال چهارم پژوهش (آیا حمایت اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر متفاوت است؟) نشان داد میزان حمایت اجتماعی در دانش آموزان دختر و پسر تفاوت دارد. بطوری که حمایت اجتماعی در دانش آموزان پسر بیشتر از دختران است. ساختارهای سنتی جامعه بیش از دختران به پسران بها می‌دهد و در نتیجه دختران احساس حمایت اجتماعی کمتری دارند. لذا به نظر می‌رسد برگزاری دوره های آموزشی مشاوره خانواده، بسیار قابل توجه است. این آموزش‌ها برای بالا بردن میزان حمایت اجتماعی در دانش آموزان بسیار مهم است. بنابراین چنانچه خانواده ها و مدرسه فضای همدلی و مشارکت و صمیمیتی پویا در محیط های آموزشی فراهم کنند بی شک افزایش اعتماد و حمایت اجتماعی دانش آموزان را در پی داشته و موجب افزایش کارایی تحصیلی دانش آموزان خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۳)، «روش های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان»، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- حسن زاده، رمضان، (۱۳۸۹)، روش های تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق). تهران: ساوالان.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۱)، «روش های یادگیری»، تهران: انتشارات دوران.
- قره سفلو، حمید. (۱۳۹۱). بررسی رابطه هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان. نخستین همایش سالانه علوم مدیریت نوین، واقع در آدرس اینترنتی: http://www.civilica.com/Paper-CMMS01-CMMS01_083.html.
- نورایی، محمود؛ ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۸۹). بررسی اثر هوش عاطفی (هوش اجتماعی) بر عملکرد آموزشی اعضای هیأت علمی (مطالعه‌ی موردی: واحدهای منطقه ۲ دانشگاه آزاد اسلامی)، مجله علوم رفتاری، صص: ۱۸۷-۱۵۵.
- __Bandura. A. & Locke. E. A. (2003). Negative Self- efficacy and goal revisited. *Journal of Applied psychology*. 88,1,87-89 .
- __Chapman, David. (2009), Emotional intelligence and conflict management style among Christian clergy, *Clergy: Occupational psychology* .
- __Manya, A, T. (2004). Understanding EI can help alter Problem behavior, *Physician Executive*, available at [www. findarticle. com/p/article/mi-mo843](http://www.findarticle.com/p/article/mi-mo843) .
- __Nelja (2008) “The role of self-efficacy in employee commitment” M. Com, University of South Africa (South Africa).
- __Robins, S(1998), *management organizational behavior*. Eleventh edition, Prentice Hall Inc .
- __Slaski, M. & Cartwright, S. (2003), *Emotional Intelligence Training and Its Implications for Stress, Health and Performance*, *Stress and Health*, Vol. 19, No. 4, pp. 233-9 .
- __Van Driel, Marinus. (2008). *Cultural Intelligence as an Emergent Organizational Level Construct*. Florida Institute of Technology, 307 .

